

## نلسن ماندیلا مردی با اراده آهنین که تا دم مرگ به خاطر مردمش بامتانت مبارزه کرد و به نیکنامی زیست! یادش گرامی باد



«در طول زندگی ام خود را وقف مردم افریقا کرده‌ام. با استیلا سفیدپوسان مبارزه کرده‌ام و با استیلا سیاهان نیز مبارزه کرده‌ام. به دنبال آرمان جامعه‌ی آزاد و دموکراتیک که همه بتوانند در آن در توازن و با فرصتهایی برابر زنده‌گی کنند بوده‌ام. این آرمان من است که امیدوارم با آن زنده‌گی کرده و بدان دست یابم. اما اگر نیاز باشد آماده‌ام برای این آرمان بمیرم.»

### ماندیلا

ماندیلا در سال ۱۹۱۸ در قریه کوچک «موزو» در ناحیه «متاتا»، مرکز مناطق «ترانسکی» از محلات «کیپ» در اتحادیه افریقای جنوبی به دنیا آمد. پدرش «گادلا هنری میپهاکانییسوا» عضو شورای سلطنتی مردم «تمبو» بود، او از زمان تولد این مقام را به ارث برده بود و ماندیلا نیز قرار بود چنین مقامی را به ارث ببرد.

ماندیلا در هفت ساله‌گی، نخستین عضو خانواده خود بود که به مدرسه پا گذاشت، وی در مدرسه توسط یک معلم متدیست ("در سال ۱۷۳۸ فرقه متدیستها (Methodists) منشعب از کلیسای پروتستان در انگلستان پایه گذاری شد و در ۱۷۸۴ در شهر بالتیمور ایالت «مریلند» کار خود را در امریکا به طور رسمی آغاز کرد. در این فرقه اسقف اعظم توسط پیروان انتخاب و به صورت مادام العمر فعالیت می‌کند. در این مذهب تفسیرهایی براساس سنت، عقل و تجربه وجود دارد که همه از انجیل استنباط شده است.")، با تبعیت از نام هوراسیو نلسون دریاسالار انگلیسی «نلسون» نام نهاده شد. وی ۹ سال داشت که پدرش در نتیجه بیماری توبرکلوز درگذشت، و جونگینتابا، نایب السلطنه سرپرستی وی را بر عهده گرفت. ماندیلا در یک مدرسه تبلیغی در همسایه‌گی محل زنده‌گی نایب السلطنه مشغول به تحصیل شد. بر اساس رسوم (تمبو)،

او در شانزده ساله گی مشغول به تحصیل فرهنگ غرب شد. او به جای سه سال، در دو سال مدرک مقدماتی خود را اخذ کرد.

ماندیل در نوزده ساله گی (سال ۱۹۳۷)، به هلدتون، پوهنتون و سلی در شهر «فورت بیوفورت» که بیشتر خانواده سلطنتی در آن مشغول به تحصیل بودند عزیمت کرد و به ورزشهای بوکس و دوش علاقه مند شد. پس از شرکت در امتحان کنکور، او شروع به تحصیل در رشته کارشناسی علوم انسانی کرد.

ماندیل در پایان سال اول تحصیلات خود، در تحریم شورای نماینده گی محصلین که در اعتراض به سیاستهای محل تحصیل وی انجام گرفت شرکت کرد و پس از آن از «فورتهار» اخراج شد.

وی سه بار ازدواج کرد. از ازدواج اول دو پسر به نامهای «مادیا تمبی» و «ماگاتو»، و دو دختر داشت. این زوج پس از ۱۳ سال در سال ۱۹۵۷ از یکدیگر جدا شدند، دلیل جدایی آنان شور انقلابی ماندیل بود و این که همسر ماندیل مذهبی بود که به تبلیغ سیاست بی طرفی سیاسی می پرداخت.

همسر دوم ماندیل، نیز اهل منطقه «ترانسکی» بود، گرچه آن دو نیز، در ژوهانسبورگ، یعنی شهری که «وینی» نخستین مددگار اجتماعی سیاه پوست آن بود با هم آشنا شدند. بعدها، «وینی» قربانی اختلاف خانواده گی ناشی از نزاع سیاسی کشور شد؛ در حالیکه شوهرش به اتهام تروریسم و خیانت در زندان جزیره رابن مشغول گذراندن حبس ابد بود، پدرش به پست وزارت زراعت برگزیده شد. اختلافات سیاسی، منجر به جدایی در (اپریل ۱۹۹۲) و طلاق در (مارچ ۱۹۹۶) است.

ماندیل در هشتادمین سالگرد تولد خود، با «گراکا ماچل»، بیوه «سامورا ماچل»، رئیس جمهور سابق موزامبیک و متحد کنگره ملی افریقا که دوازده سال قبل در سانحه هوایی کشته شده بود ازدواج کرد.

## فعالتهای سیاسی وی،

پس از آنکه حزب ملی گرا که اکثریت اعضای آن را طرفداران سیاست جدایی نژادی آپارتاید تشکیل می دادند در انتخابات ۱۹۴۸ پیروز شد، ماندیل در مخالفت کنگره ملی افریقا در سال ۱۹۵۲ و مبارزات کنگره خلق در سال ۱۹۵۵، که اتخاذ منشور آزادی توسط آن برنامه بنیادین آرمان ضد آپارتاید را فراهم می کرد نقشی اساسی داشت. در این زمان، ماندیل و همکارش «اولیور تامبو» شرکت حقوقی ماندیل و تامبو را

مدیریت می‌کردند، و خدمات حقوقی رایگان یا ارزان قیمت در اختیار آن دسته از سیاهانی که قادر به برخورداری از نماینده‌گی قانونی نبودند قرار می‌دادند.

ماندیلا که در آغاز طرفدار مبارزه عمومی غیر خشونت آمیز بود، در ۵ دسامبر ۱۹۵۶ به همراه ۱۵۰ تن دیگر دستگیر شده، و متهم به خیانت شد. محاکمه وی با همراهانش به اتهام خیانت از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۱ ادامه یافت، و همه آنان تبرئه شدند.

در سال ۱۹۵۹، پس از آنکه بیشتر «افریکانستها»، با حمایت مالی از کشور گانا و پشتیبانی چشمگیر سیاسی از جانب «باسوتو» مستقر در «ترنسوال» از این کنگره جدا شده و تحت رهبری «رابرت سوبوکوه» و «پوتالکو لبالو»، کنگره پان افریکانست را تشکیل دادند. کنگره ملی افریقا بیشتر حمایت نظامی خود را از دست داد. پس از قتل عام حامیان کنگره پان افریکانست، در مارچ ۱۹۶۰، و تحریم کنگره پان افریکانست و کنگره ملی افریقا، کنگره ملی افریقا و حزب کمونیست افریقای جنوبی به متابعت از جنبش مقاومت افریقا (شورشیان لیبرال) پرداختند. «لوتولی»، که متهم به بی‌اعتنایی شده بود، به حاشیه کشانده شد، و کنگره ملی افریقا و حزب کمونیست افریقای جنوبی به کنفرانس فراگیر افریقا در سال ۱۹۶۱، که تمامی احزاب در آن گرد آمدند تا به راهبرد مشترکی دست یابند متوسل شدند و در این کنفرانس ماندیلا با اعلام تشکیل «اومخونتووه سیزوه»، که بر اساس ایرگو (نهضت چریکی یهودیان)، تشکیل شده و رهبری آن را ماندیلا و دنیس گلدبرگ، لیونل راستی برنشتاین، و هارولد ولپه فعالان یهودی حزب کمونیست افریقای جنوبی بر عهده داشتند دعوت به مبارزه نظامی کرد.

پس از آن ماندیلا پنهانی کشور را ترک کرد و با رهبران افریقا در الجزایر و دیگر نقاط دیدار کرد. ماندیلا که از پی بردن به عمق حمایت از کنگره پان افریکانست و عقیده عموم مبنی بر آنکه کنگره ملی افریقا یک انجمن کوچک وابسته به قبیله «خهوسا» و تحت کنترل سفیدپوستان کمونیست قرار دارد شگفت زده شده بود، به افریقای جنوبی بازگشت و مصمم شد تا بخش ملی گرای افریقا را در اتحاد کنگره تقویت کند. تصور بر این است که بحث ماندیلا با رهبران کمونیست بر سر این مساله منجر به خیانت متعاقب آن به ماندیلا و دستگیری وی شد.

در سال ۱۹۶۱، ماندیلا رهبری «اومخونتو وسیزوه» به معنای «نیزه ملت»، و نیز با علامت اختصاری "MK" شاخه نظامی «کنگره ملی افریقا (ANC)» را که خود یکی از بنیانگذاران آن بود بر عهده گرفت. او مبارزات خرابکاری علیه اهداف نظامی و دولتی را رهبری کرده، و طرحهایی تدوین کرد تا در صورتی که با

خرابکاری نتوانست به آپارتاید خاتمه دهد به جنگ چریکی متوسل شود. چند دهه بعد، خصوصاً در دهه ۱۹۸۰، «اومخونتو وسیزوه» تبدیل به جنگ چریکی علیه رژیم حاکم شد. ماندیلا همچنین در خارج از کشور مبادرت به جمع‌آوری کمک‌های مالی برای "MK" کرد، و در دیدار با برخی از دولتهای افریقا ترتیباتی برای آموزش شبه نظامی داد.

در اگست ۱۹۶۲، ماندیلا پس از هفده ماه گریز دستگیر شده و در زندان ژوهانسبورگ زندانی شد. ویلیام بلوم، یکی از کارکنان سابق وزارت امور خارجه امریکا، گفته است: «سازمان سیا (سی آی ای) محل اختفای ماندیلا را به پلیس اعلام کرده بود». سه روز بعد، با حضور ماندیلا در دادگاه، وی متهم به رهبری اعتصاب کارگران در سال ۱۹۶۱ و ترک غیر قانونی کشور شد. در ۲۵ اکتبر ۱۹۶۲، ماندیلا به پنج سال زندان محکوم شد. دو سال بعد در جون ۱۹۶۴، به اتهام شرکت ماندیلا در کنگره ملی افریقا (ANC) برای وی حکم دیگری صادر شد.

در حالیکه ماندیلا در زندان بود، پلیس در جولای ۱۹۶۳، رهبران کنگره ملی افریقا را در مزرعه «لیلیسلی»، در ریوونیا، واقع در شمال ژوهانسبورگ دستگیر کرد. ماندیلا نیز به محاکمه ریوونیا کشانیده شد، و در این روند ماندیلا، احمد کاترادا، والتر سیسولو، گووان مبکی، آندرو ملانجلی، ریموند مهلابا، الیاس موتسوئالدی، والتر مکوایی (که در زمان محاکمه از زندان فرار کرد)، آرتور گلدریچ (که قبل از محاکمه از زندان فرار کرد)، دنیس گلدبرگ و لیونل راستی برنشتاین توسط قاضی «پرسی یوتار» متهم به خرابکاری و اتهاماتی معادل خیانت، که اثبات آن برای دولت ساده‌تر بود، شدند.

ماندیلا در بیانیه خود که از جایگاه متهم در آغاز جلسه دفاع خود در محاکمه ۲۰ اپریل ۱۹۶۴ در دیوان عالی «پرتوریا» بیان کرد، به تبیین دلیل توسل کنگره ملی افریقا به استفاه از تاکتیک خشونت پرداخت. بیانیه وی نشان می‌داد که چه گونه کنگره ملی افریقا تا پیش از قتل عام «شارپویل» در ۱۹۶۰ سالها از طریق صلح آمیز به دنبال مقابله با آپارتاید بوده‌است. این حادثه که هم زمان با برگزاری همه‌پرسی تأسیس جمهوری افریقای جنوبی و اعلام وضعیت فوق‌العاده هم زمان با ممنوعیت فعالیت کنگره ملی افریقا بود تنها چاره که برای کنگره ملی افریقا باقی گذاشت توسل به خرابکاری بود. هر اقدام دیگری معادل تسلیم بی‌قید و شرط بود. ماندیلا به ارایه توضیحاتی در مورد طراحی (Manifesto of Umkhonto) در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۱ به منظور افشای شکست سیاست کنگره ملی افریقا پس از امتناع بیگانه گان از سرمایه‌گذاری در کشور پرداخت. او با این عبارات به اظهارات خود خاتمه داد: «در طول زندگی ام خود را وقف مردم افریقا کرده‌ام. با استیلای سفیدپوسان مبارزه کرده‌ام و با استیلای سیاهان نیز مبارزه کرده‌ام. به

دنبال آرمان جامعه بی آزاد و دموکراتیک که همه بتوانند در آن در توازن و با فرصتهایی برابر زنده گی کنند بوده‌ام. این آرمان من است که امیدوارم با آن زنده گی کرده و بدان دست یابم. اما اگر نیاز باشد آماده‌ام برای این آرمان بمیرم.»

برام فیشر، ورنون بران، خوئل جوفه، آرتور چاسکالسون و جورج بیزوس اعضای تیم وکلای مدافع متهمان بودند. «هارولد هنسون» در پایان جریان محاکمه برای درخواست تخفیف در مجازات به جمع وکلای مدافع پیوست. همه گی متهمان به استثنای راستی برنشتاین، گنهکار شناخته شده، اما از مجازات مرگ گریخته و در تاریخ ۱۲ جون ۱۹۶۴ محکوم به حبس ابد شدند. از جمله موارد اتهامات آنان می‌توان از این موارد نام برد: شرکت در اقدامات نظامی، خصوصاً چهار مورد اتهام خرابکاری، که ماندیلا همه آنها را پذیرفت، و توطئه برای کمک به دیگر کشورها در جهت حمله به افریقای جنوبی، که ماندیلا این اتهام را نپذیرفت.

ماندیلا در جزیره «روبن» زندانی شد و از بیست و هفت سال زندان متعاقب آن هیجده سال را در این زندان به سر برد. در این زندان بود که ماندیلا زندگینامه خود را، تحت عنوان «راه طولانی آزادی» نوشت. اما، ماندیلا هیچ چیزی در مورد همدستی «فردریک دکلرک» در خشونت‌های دهه‌های هشتاد و نود، یا نقش همسر سابق خود «وینی ماندیلا» را در آن قتل‌عام افشا نکرد.

ماندیلا در مدتی که در زندان بود، همچنان با کنگره ملی افریقا در ارتباط بود، و این کنگره در تاریخ ۱۰ جون ۱۹۸۰ بیانیه‌یی از جانب وی منتشر کرد، که بخشی از آن به چنین است: «متحد شوید! بسیج شوید! بجنگید! باید آپارتاید را در بین سندان اقدامات توده‌های متحد و چکش مبارزه مسلحانه در هم بکوبیم!»

در فبروری ۱۹۸۵ رئیس جمهوری افریقای جنوبی پیشنهاد آزادی مشروط او را به شرط محکوم کردن بی قید و شرط خشونت به عنوان ابزاری سیاسی را داد. وزرا با این پیشنهاد مخالف بودند زیرا معتقد بودند ماندیلا هرگز در ازای آزادی شخصی به این متعهد نخواهد شد که سازمانش مبارزه مسلحانه را خاتمه بدهد. ماندیلا پیشنهاد را قویاً رد کرد و از طریق دخترش «زیندزی» در اعلامیه بی گفت: «چه آزادی به من پیشنهاد می‌شود در حالیکه سازمان مردم ممنوع باقی می‌ماند؟ تنها مردم آزاد می‌توانند مذاکره کنند. یک زندانی نمی‌تواند قرار داد ببندد.»

آزادی ماندیلا،

ماندیلا تا فبروری ۱۹۹۰ که تلاش کنگره ملی افریقا و مبارزات بین‌المللی با شعار «نلسون ماندیلا را آزاد کنید!» منجر به آزادی وی شد اما تا زمانیکه از جانب «فردریک د کلرک» (رئیس جمهور) هم زمان دستور آزادی وی و پایان ممنوعیت فعالیت کنگره ملی افریقا را صادر نکرد از زندان خارج نشد.

ماندیلا در روز آزادی خود یعنی ۱۱ فبروری ۱۹۹۰، به ایراد سخنرانی خطاب به ملت پرداخت. وی هم زمان با اعلام پایبندی خود به صلح و آشتی با اقلیت سفیدپوستان کشور، به وضوح اعلام کرد که مبارزه مسلحانه کنگره ملی افریقا هنوز به پایان نرسیده است: «توسل ما به مبارزه مسلحانه در سال ۱۹۶۰ باتشکیل «اومخونتوی وی سیزوه» شاخه نظامی کنگره ملی افریقا صرفاً اقدامی دفاعی در برابر خشونت اپارتاید بود. عواملی که ایجاب کننده مبارزه مسلحانه بود، امروز همچنان باقیست. ما چاره جز ادامه نداریم. امیدوارم که به زودی شرایطی برای حل این مسایل از طریق مذاکره فراهم شود، تا دیگر نیازی به مبارزه مسلحانه نباشد.»

وی اعلام کرد که توجه وی معطوف به برقراری صلح برای اکثریت سیاه‌پوست و دادن حق رای به آنان چه در انتخابات کشوری و چه در انتخابات محلی است.

نخستین انتخابات دموکراتیک افریقای جنوبی که در آن همه افراد می‌توانستند شرکت کنند در تاریخ ۲۷ اپریل ۱۹۹۴ برگزار شد. «کنگره ملی افریقا» اکثریت را در انتخابات به خود اختصاص داد، و ماندیلا، به عنوان رهبر کنگره ملی افریقا، به عنوان نخستین رئیس جمهور سیاه‌پوست کشور برگزیده شد و در دولت اتحاد ملی «دکلرک» از حزب ملی‌گرا به عنوان معاون رئیس‌جمهور برگزیده شد.

ماندیلا به عنوان رئیس‌جمهور از ماه می ۱۹۹۴ تا جون ۱۹۹۹، رهبری انتقال از فرمانروایی اقلیت و اپارتاید را بر عهده داشت، و به خاطر حمایت از صلح ملی و بین‌المللی تحسین بین‌المللی را به دست آورد.

زمانی که افریقای جنوبی میزبانی جام جهانی «راگبی» ۱۹۹۵ را بر عهده داشت، «نلسون ماندیلا» اتباع غیر سفید پوست افریقای جنوبی را به حمایت از تیم اتحادیه ملی «راگبی» افریقای جنوبی که پیش از آن مورد نفرت همه گان بود دعوت کرد. پس از آنکه تیم «اسپرینگبوک» با پیروزی بر نیوزیلند به قهرمانی رسید، «ماندیلا» با پوشیدن لباس اسپرینگبوک جام قهرمانی را به کاپیتان سفید پوست این تیم «فرانکو پینار» اهدا کرد. این اقدام ماندیلا گامی مهم در راستای برقراری آشتی میان سیاهان و سفیدپوستان افریقای جنوبی محسوب شد.

وی به تاریخ ( ) بنابر مریضی توبرکولوز دستگاه تنفسی که هدیه از مدت اقامتش رد زندان بود، این جهان را وداع گفت!

## کتابها و مقالات وی،

ماندیلای کتابها و مقالات متعددی منتشر کرده است. خاطرات وی با نام راه دشوار آزادی با ترجمه مهوش غلامی به فارسی ترجمه شده است. آخرین کتاب در مورد وی با زبان انگلیسی ( Conversation with Myself ) - (خودگوئیهای من) - که در سال ۲۰۱۱ از سوی بنیاد ماندیلا مشتمل بر ناگفته های زنده گی وی انتشار یافته در سال ۱۳۹۰ به زبان فارسی با عنوان "پندارها و گفتارها" با ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی انتشار یافته است.

## جوایز و افتخارات وی،

- عفو بین الملل سفیر جایزه وجدان (۲۰۰۶)
- جایزه صلح نوبل (۱۹۹۳)
- عضو افتخاری حکم افتخاری کانادا
- حکم افتخاری سنت جورج
- مدال آزادی ریاست جمهوری
- جایزه صلح لنین (۱۹۹۰)
- بهارات رانتا (۱۹۹۰)
- حکم لیاقت (۱۹۹۵)
- آزادی شهر از ژوهانسبورگ (۲۰۰۴)

استفاده از منابع انترنیتی در رابطه به ماندیلا.